

**داوود شهیدی**؛ «اسب بی‌سوار امانوئل زاپاتا» نام نقشی است از گرافیست مردمی و بنام مکزیکی که دوست و هم‌یار انقلابی امانوئل زاپاتا، رهبر فقید انقلاب آزادی‌بخش مکزیک است. نام و کار او حتی ستاره پیشتاز جنبش انقلابی هنر مکزیک و سینمای موسوم به سینمای سوم حاوی آثار سینمای انقلابی آمریکای لاتین نیز هست. اما… خوشه گوادالوبه پوسادا که او را در ردیف فرزهای زیر خلاصه می‌کنم.

او نمود تبادل فرهنگی و روایت ساده و فروتن از مردم هم‌رنگ و هم‌قبیله ماست. او نمود هم‌زمانی با تحول‌های مشابه تاریخی با جهان تحت سلطه است. او نمود سرشاری از ایمازهای ظریف و سرزنده از ارواح مردگان بازحیات یافته است و خیلی سراست و صمیمی، مرگ را در قالب ارتباطات انسانی، نمادین کرده است. در خاتمه او به نوعی یک بیان طنز سیاه گستاخ و دلاور را نمایندگی می‌کند و او بر مبنای نمادهای محوری هنر بومی، هنر گرافیک را پی‌ریزی می‌کند. ارتباط کاریکاتور و تولد تاریخی آن با صنعت چاپ و سپس سیستم‌های رسانه‌ای است و… در نهایت، کار او خلق یک نظام زیاشناسی و یک زبان جدید برای انجام این مهم با رسالت اجتماعی هنر است. در عرصه فرهنگ هنرهای ویژهال و با عنصر خط به مثابه الفبای اصلی تکنیک در کار او شروع می‌کنم.

خط، در عرصه شیوه تولید کلان در هنر یا هم در هنر رسانه‌ای، زبان جدید بصری را طلب می‌کند که آن حصول به ایجاد آن سطح کیفیت در ترکیب‌بندی خطی است که کمال دیده‌شدن و فهمیده‌شدن و تشخیص داده‌شدن است. و این است که پوسادا خط را می‌سازد و کمپوزیسیون را ساخت‌وساز می‌دهد و انگار که با جسم سخت (یا میخ)، طراحی می‌کند و خط را با حک‌کردن است که خلق می‌کند.

او باسمه طرح نمی‌زند و یک طراح ولنگار و بی‌اختیار نیست و در کار او خط، دیزاین می‌شود. او احساسات پراکنی نمی‌کند و رمانس بی‌هدف و بی‌ریشه ارائه نمی‌دهد. او «روکوکو» نیست، بلکه خالق رئالیسم اجتماعی است. او آرت‌نوو نیست، زیرا خط او انحنا نیست و خط او خود را مستقر می‌کند و مثل انحنا، خود را در رمانس فضای لوور رها نمی‌کند، اما ساختار خطی او چنان که در آرت‌نوو نیز چنین است، با تاش و بافت یا تکتستور است که کامل می‌شود.

دریافت فرم استلیزه برای طرح الگوهای کلی در هنر چاپ و کلیشه‌سازی در آرت‌نوو از موتیف‌های گیاهی مطرح در بافته‌های ایرانی است که انجام می‌شود.

پوسادا اما فرم استلیزه را از آناتومی استخوانی اسکلت یا پرسونازهای کارتونیک خود اخذ نمی‌کند. درک خالص از فرم و ترکیب‌بندی و بیان نارایتیو با روایتگر را از بافته‌های بومی دریافت می‌کند.

تعبیر و روایتی از دفرماسیون کارتونیک در کارهای او، اسکلت‌ها هستند؛ اما اسکلت‌ها بیان حالات انسانی تشدیدشده هستند. بااین‌حال، این پرسوناز گستاخ و در لباس طنز دلاور و سیاه، در قصه‌های عامیانه و کارناوال‌ها منزل دارد و همراه با مراسم آیینی و فولکلوریک جشن مردگان است که حضور مذهبی تاریخی دارد. اسکلت این بار ارائه وجه معنوی انسان است و بیان عرصه‌های روح و متافزیک.

و بدین‌سان است که پوسادا در کارهایش با زبان مردم و کلمات و عبارات مردم، دشمن مردم را می‌ستیزد و نقد می‌کند.

حقیقت انسان (پرسوناز)‌ها هستند که توان و نیروی گرافیک حکاکی شده را آشکار می‌کنند و واقعیت بصری محض و گرافیک ناب پرسوناز در کارتون یا اغراق را در خود منعکس می‌کنند. نگاه پوسادا به مردم و فرهنگ فولکلوریک، نگاه از بالا و بیرون نیست و نگاه همراه و از درون است و نگاه برادر، رفیق، هم‌قبیله و هم‌خون است.

### بازطراحی نشان سازمان ملی استاندارد ایران خبرساز شد

## از بازطراحی تا تغییر

**حسام مجبوب**؛ همه چیز با یک توییت آغاز شد: «تغییر

نشان ملی استاندارد ایران، سازمان ملی استاندارد ایران طرح جدید نشان ملی استاندارد ایران را در درج علامت اختصاری INSO به رنگ اعلام کرد.»

خبر را مصطفی آجرلو اعلام کرد؛ مدیرکل روابطعمومی سازمان ملی استاندارد. خبر بر روی خروجی خبرگزاری فارس و ایستا قرار گرفت. واکنش‌های اولیه چندان مثبت نبود؛ به‌خصوص که مرتضی ممیز، شناخته‌شده‌ترین طراح گرافیک ایران (۱۳۱۵ – ۱۳۸۴) لوگوی سازمان ملی استاندارد ایران را در سال ۱۳۶۴ طراحی کرده بود. معترضان نام ممیز را تکرار می‌کردند و تغییر نشان را با تندی رد می‌کردند. در صفحه اینستاگرام مجله پشت‌بام این خبر با درج «اعتراض قسمتی از جامعه طراحان گرافیک ایران به تغییر طرح مرتضی ممیز» منتشر شد. هرچند نامی از طراحان معترض برده نشده بود، اما بهزاد خورشیدی، طراح گرافیک، در گفت‌وگو با آفتاب‌نیوز، نسبت به این تغییر واکنشی کاملا منفی نشان داد و گفت: «منی‌دانم چه اتفاقی پیش می‌آید که هرازگاهی آرم مؤسسه‌ای که سال‌ها از قدمت آن سیری می‌شود و به لحاظ شناخت بصری کاملا آشناست، با تغییر مدیران، دستخوش تغییرات قرار می‌گیرد… قطعاً این کار خطاست و نمی‌دانم چه اصراری داریم که در هر چیز زیبا و درستی دست ببریم و خراب کنیم؛ چرا باید قالبی را که آرم بر مبنای آن شکل گرفته، خراب و ناخوانا کنیم؟ آن هم با رنگی که هیچ دلیلی در طرح یک لوگو ندارد.» خورشیدی هم بر نام ممیز اکتفا می‌گذارد و این‌طور گفته بود که: «اینکه زمان زیادی از طراحی این نشان‌واره سیری می‌شود، اما همچنان از دوام و قوام بالایی برخوردار است و بارها و بارها در مدارس و دانشگاه‌ها به‌عنوان یک نشان استاندارد از آن یاد می‌شدد. آقای ممیز تمام قواعد هندسی را در این آرم رعایت کرده بودند و جدای از شکل ظاهر بصری چشم‌نواز، خسن بزرگ این بود که بسیار خوانا بود و در تمامی ابعاد قابل چاپ بود… یکی از زیبایی‌های طرح مرتضی ممیز به دلیل سادگی آن بود. سادگی‌ای که با عوض‌شدن غیرحرفه‌ای رنگ این نشان‌واره جای خود را به طرحی داده که انتقادات زیادی را با خود به همراه داشته است.»

فرهاد فزونی، طراح گرافیک، هم خیلی زود در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام به این تغییر واکنش نشان داد

م تفاوت از نگاه بیکاسو به هنر آفریقا که نگاه انسان اروپایی و بدوی است و هنر

خالص ورا موضوع مطالعه قرار می‌دهد و اگر چند از آن بروتالیسم و درک انتزاع را

می‌آموزد، اما ناگهی فروتن نیست و سرد و روشنفکری به نظر می‌آید.

نگاه پوسادا، نگاه یک پیشتاز است که طبیعت ترکیب‌بندی هندسی یا شیوه‌های بزرگ‌نمایی را همراه با درک نو و مجرد، از بافته‌های بومی و عشایری دریافت می‌کند. متفاوت از نگاه بیکاسو به هنر آفریقا که نگاه انسان اروپایی و بدوی است و هنر خالص ورا موضوع مطالعه قرار می‌دهد و اگر چند از آن بروتالیسم و درک انتزاع را می‌آموزد، اما ناگهی فروتن نیست و سرد و روشنفکری به نظر می‌آید. نگاه پوسادا، نگاه یک پیشتاز است که طبیعت ترکیب‌بندی هندسی یا شیوه‌های بزرگ‌نمایی را همراه با درک نو و مجرد، از بافته‌های بومی و عشایری دریافت می‌کند.

# اسب بی‌سوار امانوئل زاپاتا



می‌داند که مردم بی‌سواد نیستند و قالی‌بافی سواد است و تولید صنایع دستی سواد است و آن را باید در توده‌های خلق دید، فهمید، دانست، دریافت، سامان داد و عرضه کرد. هنر پوسادا با انقلاب است که شکل می‌گیرد و کمال پیدا می‌کند و این یک تحول بزرگ در جهان تحت سلطه است که مردم آن صنعت و ماشین چاپ را در خدمت ندارند و تنها سرمایه‌شان روح خلاق فرهنگ جمعی است.

تغییر نشان بوده که معنی دیگری دارد و به معنی طراحی یک نشان جدید است. همین کلمه «تغییر» که در ابتدای توییت آمده، بیشترین سوءتفاهم را دامن زد و احتمالاً اعتراض‌ها را بیشتر از قبل کرد. سابقه تغییر نشان در ایران – به‌خصوص در چند سال گذشته– معمولاً واکنش‌های تندی را باعث شده است. نمونه‌اش دو سال پیش رخ داد که مدیریت وقت موزه هنرهای معاصر خبر از تغییر نشان این‌ موزه داد. این‌بار نام طراح گرافیک و هدف از تغییر نشان هم منتشر شد که اتفاقاً برخلاف وضع کنونی روند شفاف‌تری بود. بااین‌حال واکنش‌ها در مورد تغییر نشان موزه چنان تند بود که مدیریت موزه با پس کشید و نشان قدیمی موزه را جایگزین نشان تازه کرد. این در حالی بود که نام طراح نشان جدید هم منتشر شده بود؛ رضا عابدینی که از طراحان بنام گرافیک ایران در سطح بین‌المللی هم هست و به گفته مدیریت وقت موزه علت انتخاب او هم به خاطر همین شهرت بین‌المللی بود.

هرچند واکنش‌ها نسبت به بازطراحی نشان سازمان ملی استاندارد در مقابل تغییر نشان موزه هنرهای معاصر کمتر بود، اما هر دو انگار نشان از دو چیز دارند؛ اول اینکه اعتماد عمومی به عملکرد مدیران این سازمان‌ها و نهادها خدشه‌دار شده است و به‌خصوص تغییر چنین نشانه‌هایی که معنی و مفهومی برای مخاطبان دارد، معمولاً با واکنش‌های تند و مخالف‌خوانی همراه می‌شود.

دیگر اینکه نقش روابطعمومی در این میان همواره مهم است. شاید اگر روابطعمومی سازمان ملی استاندارد نقش فعال‌تری را در اطلاع‌رسانی بر عهده می‌گرفت یا روند و دلیل این تغییر را توضیح می‌داد یا حتی به جای کلمه «تغییر»، واژه بازطراحی را می‌نوشت یا حتی در توییت به مرتضی ممیز اشاره می‌کرد، واکنش‌ها این چنین منفی نبودند.

نشان سازمان ملی استاندارد ایران بعد از ۳۷ سال از طراحی اولیه با نظر مالک نشان مجدداً بازطراحی شد و قرار است از این به بعد –احتمالاً– شاهد چاپ این نشان بر روی محصولات باشیم که سازمان تأیید کرده است. هرچند اگر رنگ سبز بر سر راه چاپ این نشان مشکلی ایجاد نکند و رنگ مشکی نشان دوباره – بدون سروصدا – بازنگردد، اما فارغ از مسائل فنی، کاش آقای آجرلو واقف در انتشار خبر کمی ظرافت به خرج می‌داد.

### اخبار برگزیده

نمایشگاه آثار علی گلستانه در گالری گلستان

### گلستانه در گلستان

گالری گلستان از روز جمعه، ۱۸ شهریور، میزبان نمایشگاهی از آثار علی گلستانه، هنرمند نقاش با عنوان «گلستان» است که سال گذشته بر اثر عوارض ناشی از کووید ۱۹ درگذشت. این نمایشگاه تا روز چهارشنبه، ۳۰ شهریور ادامه خواهد داشت.

نمایشگاه کنونی دومین نمایشگاه متوالی است که به فاصله دو ماه از آثار علی گلستانه بریا می‌شود. ۳۱ تیرماه گذشته، نمایشگاهی از آثار این نقاش در گالری ایکس هما برگزار شد. علی گلستانه که متولد سال ۱۳۱۹ بود، در مهرماه سال ۱۴۰۰ بر اثر عوارض ناشی از کووید ۱۹ در ۸۱ سالگی درگذشت.



او فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و به‌عنوان نقاش، ده‌ها نمایشگاه برگزار کرده و با گالری‌های مختلفی همکاری کرده بود و بسیاری از تکنیک‌های نقاشی را نیز آموخته بود. مناظر طبیعی از محبوب‌ترین موضوعات در آثار او بودند و گلستانه نقاشی‌های مختلفی را از مناظر طبیعی در طول سال‌ها نقاشی کرده بود. موضوع منظره او را به چهره‌ای محبوب در هنر ایران تبدیل کرد. چنانچه در سال‌های اخیر مورد توجه مجموعه‌داران آثار هنری هم قرار گرفته بود.

نمایشگاه «گلستان» که مجموعه‌ای از آثار علی گلستانه است، از روز جمعه، ۱۸ شهریور، در گالری گلستان آغاز و تا چهارشنبه، ۳۰ شهریور، ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند همه روزه، جز روزهای پنجشنبه، به نشانی: خیابان دروس، خیابان کماسای، شماره ۳۴، گالری گلستان مراجعه کنند.

بیانیه انجمن صنفی طراحان گرافیک در اعتراض به تغییر نشان سازمان استاندارد

### اعتراض در پی طراحی مجدد

انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، روز گذشته در اعتراض به بازطراحی نشان سازمان ملی استاندارد ایران بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده: طراحی نشان مؤسسه استاندارد ایران سال ۱۳۶۴ توسط استاد مرتضی ممیز، پیشگام گرافیک مدرن ایران، بنیان‌گذار انجمن صنفی طراحان گرافیک و از پایه‌گذاران آموزش گرافیک نوین در سیستم دانشگاهی کشور طراحی و جایگزین نشانه قبل از انقلاب این مؤسسه شد.

این اثر با توجه به طراحی پیشرو و هوشمندانه‌ای که داشت، در کنار شعار «علامت استاندارد، نشانه مرغوبیت کلاست» به سرعت به نشانه‌ای قابل اعتماد در جامعه بدل شد.

علامت استاندارد در نگاه اول یک مونوگرام زیبا از حرف S را به نمایش می‌گذارد که با نگاهی خلاقانه در ساختار یک مربع طراحی شده است، ویژگی منحصربه‌فرد این نشانه حروف مخفف‌شده عنوان مؤسسه استاندارد است که با ظرافت تمام به دو زبان در فضای میانی این مونوگرام جای گرفته است.

در حالت اصلی کلمه «ایران (بدون نقطه)» دیده می‌شود و با چرخش ۱۸۰درجه‌ای آن، عبارت «ISIRI» خوانده می‌شود. علاوه بر طراحی زیبا و منسجم، این نشانه به‌عنوان یکی از بهترین لوگوهای ملی همیشه مورد توجه مردم و طراحان گرافیک داخل و خارج از کشور بوده و در حیطه آموزش گرافیک نیز همواره مورد تحلیل و بررسی دانشجویان و مدرسان است.

#### ۱۵ زن در یک نمایشگاه

### زنان رزم زندگی را تصویر می‌کنند



نمایشگاهی با عنوان «در رزم زنده‌گی»، شامل آثار ۱۵ هنرمند زن، به گردآوری یلدا جمالی از روز جمعه، ۱۸ شهریور، در گالری سهراب برپا شده است. این نمایشگاه تا روز چهارشنبه، ۳۰ شهریور، ادامه خواهد یافت.

در این نمایشگاه، آثار نقاشی و مجسمه ۱۵ هنرمند به نمایش درآمده است. این هنرمندان عبارت‌اند از: لیلیا بانکی، حوری بنام، بهار بنیش، سمیه خدائی، پریسا رحمانی، پروانه زراقی، آمنه رمضانی، بهاره روح‌بخش، مینا سیزی، شبنم شعبانی، لیلیا شوقی، مرضیه صالحی، الهام فاطمی، رایکا میلانیان و گلشن یکتایی.

یلدا جمالی که این نمایشگاه را برای گالری سهراب گردآوری کرده، پیش‌تر نیز در برگزاری نمایشگاه‌های گروهی با این گالری همکاری کرده بود. او خود به عنوان نقاش آخرین بار آثارش را در گالری شیرین به نمایش گذاشت. همچنین در سال‌های اخیر هنرمندان زن بارها مورد توجه قرار گرفته‌اند و نمایشگاه‌های زیادی از آثار هنرمندان زن در گالری‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، به شکل خصوصی یا دولتی برگزار شده است.

گالری سهراب در سال‌های اخیر علاوه بر برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی، در برگزاری نمایشگاه‌های گروهی هم فعال بوده است.

نمایشگاه «در بزم زنده‌گی» که نمایشی از آثار نقاشی و مجسمه هنرمندان زن است، با گردآوری یلدا جمالی از روز جمعه، ۱۸ شهریور، در گالری سهراب افتتاح شده و تا روز چهارشنبه، ۳۰ شهریور برپا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه به‌جز روزهای یکشنبه، از ساعت ۱۱ تا ۲۰ (گالری در روزهای جمعه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ باز است) به نشانی: خیابان سمیه، قبل از رامسر، شماره ۱۲، گالری سهراب مراجعه کنند.